

بررسی اثر مالیات بر درآمد بر توزیع درآمد در ایران (با تأکید بر سهم نیروی کار)*

مریم خطیب زاده

یکی از ابزارهای مهم در اختیار دولت‌ها برای توزیع درآمد، ابزار مالیاتی است. دولت‌ها با وضع مالیات بر درآمد و ثروت علاوه بر این‌که هزینه‌های خود را تأمین مالی می‌کنند، می‌توانند با سمت‌دهی خاصی از شکاف درآمدی بکاهند و تعدیل‌های لازم را در توزیع درآمد انجام دهند.

در این پژوهش با استفاده از اطلاعات آماری مربوط به درآمدهای مالیاتی، تولید ناخالص داخلی، اشتغال و جبران خدمات کارکنان بخش‌های عمومی، صنعت و خدمات برای سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۵۵ به تحلیل آماری تغییرات متغیرها پرداخته شده و برای بررسی اثر مالیات بر درآمد بر شاخص‌های نابرابری از تکنیک اقتصادسنجی برای تعیین و اندازه‌گیری تأثیر متغیرهای مؤثر استفاده شده است. این امر مؤید آن است که مالیات بر درآمد واقعی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با شاخص‌های نابرابری رابطه معکوس و مخارج مصرفی دولت با شاخص‌های مورد نظر رابطه مثبت دارد.

این پژوهش نشان می‌دهد که نظام مالیاتی ایران به‌رغم مشکلات فراوانی که در دوره بیست‌ساله مورد مطالعه داشته، توانسته است تا حدودی توزیع درآمد را از طریق مالیات بر درآمد (مالیات حقوق و مالیات مشاغل) بهبود بخشد. اما لازم است برای ایجاد عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر سمت‌گیری مالیات بر درآمد بر مالیات مشاغل که از پتانسیل بالایی برای وصول مالیات برخوردار است، تمرکز یابد. همچنین، افزایش معافیت‌های مالیات حقوق و اصلاح نحوه محاسبه آن می‌تواند گام مؤثری در اصلاح نابرابری درآمدی باشند.

مقدمه

نامتعادل بودن توزیع درآمد در جامعه، اگرچه ممکن است در کوتاه مدت نمودی چندان عینی در مسائل روزمره کشور نداشته باشد، در بلندمدت علاوه بر آثار سوء اقتصادی ممکن

* این مقاله برگرفته‌ای است از رساله کارشناسی ارشد، دانشکده امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، با همین عنوان؛ به راهنمایی آقای دکتر الیاس نادران، ۲۵ شهریور ۱۳۷۷.

است ایجادکننده تنش‌های اجتماعی نیز باشد و سلامت اقتصادی و اجتماعی جامعه را به‌مخاطره بيفکند.

امر توزیع درآمد و جهت‌گیری‌های اقتصادی به منظور تقسیم عادلانه امکانات بین اقشار مختلف جامعه از جمله مواردی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. دستیابی به هدف مذکور مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است که از جمله مهم‌ترین این ابزارها می‌توان از ابزارهای مالیاتی نام برد. یکی از ویژگی‌هایی که یک نظام مالیاتی مطلوب می‌بایست داشته باشد، آن است که با اجرای آن تمام اقشار جامعه متناسب با مکتب مالی خود زیر پوشش مالیات قرار گیرند و درآمد و ثروت به شکل عادلانه در جامعه توزیع شود و در نهایت شکاف درآمدی تاحدودی پر شود. با توجه به حدت مشکل توزیع درآمد و ثروت در کشور و نیز با در نظر گرفتن این مسئله که اصولاً مالیات‌ها در قالب نرخ‌های تصاعدی آن نقش اساسی‌تری را نسبت به سایر ابزارهای اقتصادی برای تعدیل توزیع درآمد و ثروت در جامعه برعهده دارند، اهمیت مالیات‌ها از این حیث روشن می‌شود.

شایان ذکر است که آنچه به‌عنوان روند توزیع درآمد در کشور به چشم می‌خورد، لزوماً و به‌طور کلی نتیجه اقدامات و برنامه‌ها و سیاست‌هایی نیست که در کشور به اجرا گذاشته می‌شود، بلکه مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌های اجرا شده در کشور عوامل مؤثر بر تغییر این توزیع درآمد است و در این رهگذر توزیع درآمد قبل از اجرای سیاست‌های مذکور (بافرض عدم وجود آن‌ها) نیز بایستی مدنظر قرار گیرد.

بررسی جهت‌گیری‌های مالیاتی انجام شده بین انواع مالیات‌ها، مشخص‌کننده آن است که قابلیت انتقال مالیات‌های مستقیم به‌دلیل این‌که از درآمد و ثروت افراد اخذ می‌شود، نسبتاً محدود است. این نوع مالیات که به‌صورت تصاعدی براساس اصل قدرت پرداخت از مؤدی وصول می‌شود، خود عاملی است که به کمک آن می‌توان توزیع درآمد را تعدیل و جامعه را به‌سوی عدالت اجتماعی سوق داد. این دسته از مالیات‌ها، به ویژه مالیات بر درآمد، به‌سبب این‌که اولاً مقداری از قدرت خرید اقشار پُردرآمد جامعه را جذب می‌کند، و ثانیاً امکان تأمین مالی برخی از خدمات و تسهیلات دولتی را فراهم می‌سازد، که گروه‌های پایین درآمدی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، قادرند در تعدیل نابرابری درآمدی نقش قابل توجهی داشته باشند.

در این پژوهش از اطلاعات آماری مربوط به درآمدهای مالیاتی، تولید ناخالص داخلی، اشتغال، جبران خدمات کارکنان، ارزش افزوده در هر یک از بخش‌های عمومی، صنعت، و خدمات، و همچنین توزیع هزینه‌های خانوارهای شهری در ده گروه هزینه‌ای برای سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵ استفاده شده است.

هدف از به کارگیری این اطلاعات استفاده از معادلات رگرسیون برای بررسی سهم مالیات بر درآمد پرداختی توسط نیروی کار نسبت به درآمد کسب شده از طریق تجزیه و تحلیل تحولات متغیرها است که به این منظور با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی به بررسی مالیات بر درآمد بر شاخص‌های نابرابری پرداخته شده است.

تجزیه و تحلیل تحولات متغیرها

به طور کلی اطلاعات آماری به کار گرفته شده در این تحقیق شامل درآمدهای مالیاتی، تولید ناخالص داخلی، اشتغال در بخش‌های عمومی، صنعت، خدمات، و جبران خدمات کارکنان در بخش‌های یاد شده است. هدف از ارائه و تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری مورد نظر، پاسخ به سؤالات تحقیق از طریق یافتن ارتباط بین اشتغال، ارزش افزوده، درآمد کسب شده، و مالیات پرداختی توسط هر یک از بخش‌های عمومی، صنعت و خدمات طی دوره زمانی ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵ است. در این زمینه به بررسی کارایی سیستم مالیاتی از حیث مالیات بر درآمد حاصل از سهم نیروی کار (مالیات حقوق و مالیات مشاغل) بر توزیع درآمد پرداخته شده است. قابل ذکر است که با توجه به معافیت مالیاتی فعالیت‌های کشاورزی، اطلاعات مربوط به بخش کشاورزی ملحوظ نظر قرار نگرفته است.

۱. براساس جدول شماره ۱ کل درآمدهای مالیاتی به تفکیک مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم برای سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵ ارائه شده که با تولید ناخالص داخلی در همین سال‌ها مقایسه گردیده است. سهم مالیات‌ها از تولید ناخالص داخلی بین ۳/۹۲ درصد (سال ۱۳۷۴) و ۸/۶۴ درصد (سال ۱۳۵۷) در نوسان است و گویای این مطلب است که نرخ مؤثر مالیاتی بسیار پایین است و لزوم توجه به این منبع درآمدی را نشان می‌دهد. همچنین، جدول مذکور نشان می‌دهد که مالیات‌های غیرمستقیم نسبت به مالیات‌های مستقیم سهم بالایی را در درآمدهای مالیاتی دارند. این امر وظیفه مالیات‌ها را در تعدیل توزیع درآمد در کشور با

بررسی اثر مالیات بر درآمد بر توزیع درآمد... ۵۱

مشکل مواجه می‌کند، زیرا با بالا بودن سهم وصولی‌های مالیاتی غیرمستقیم و نیز نداشتن

جدول شماره ۱: وصولی مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم کل کشور، ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	وصولی مالیات‌های مستقیم	وصولی مالیات‌های غیر مستقیم	جمع کل	تولید ناخالص داخلی	سهم مالیات‌ها از تولید ناخالص داخلی (درصد)
۱۳۵۵	۱۹۷/۸	۱۴۲/۲	۳۴۰	۴۴۰/۸	۷/۶۵
۱۳۵۶	۲۴۵	۱۹۶/۵	۴۴۱/۵	۵۱۷۷	۸/۵۲
۱۳۵۷	۲۸۰/۵	۱۶۰	۴۴۰/۵	۵۰۹۵/۵	۸/۶۴
۱۳۵۸	۲۳۸/۵	۱۳۴/۸	۳۷۳/۳	۶۱۵۸/۲	۶/۰۶
۱۳۵۹	۱۳۲/۳	۱۹۹/۷	۳۳۲	۶۴۷۱/۱	۵/۱۳
۱۳۶۰	۳۲۶/۳	۲۱۷/۱	۵۴۳/۴	۷۸۸۴/۳	۶/۸۹
۱۳۶۱	۳۰۵/۴	۲۵۶	۵۶۱/۴	۱۰۳۳۵/۴	۵/۴۳
۱۳۶۲	۳۴۸	۳۸۷/۵	۷۳۵/۵	۱۲۹۳۰	۵/۶۸
۱۳۶۳	۴۲۷/۱	۵۰۳/۵	۹۳۰/۶	۱۴۲۴۲/۴	۶/۵۳
۱۳۶۴	۵۶۲/۳	۵۰۴	۱۰۶۶/۳	۱۵۱۶۷/۸	۷/۰۳
۱۳۶۵	۶۱۷/۴	۴۴۴/۹	۱۰۶۲/۳	۱۵۶۱۴	۶/۸۰
۱۳۶۶	۶۵۹/۲	۴۱۷	۱۰۷۶/۲	۱۹۲۸۴	۵/۵۸
۱۳۶۷	۶۹۲/۵	۳۴۰/۱	۱۰۳۲/۶	۲۱۷۵۳/۶	۴/۷۴
۱۳۶۸	۷۱۳/۵	۵۲۳/۲	۱۲۳۶/۷	۲۷۰۲۸/۸	۴/۵۷
۱۳۶۹	۹۷۹/۹	۷۷۱/۴	۱۷۵۱/۳	۳۵۷۵۵	۴/۸۹
۱۳۷۰	۱۴۳۰/۹	۱۳۶۸/۹	۲۷۹۹/۸	۴۸۶۷۲/۶	۵/۷۵
۱۳۷۱	۲۰۲۳/۷	۱۷۸۴/۲	۳۸۰۷/۹	۶۴۴۰۰/۸	۵/۹۱
۱۳۷۲	۲۶۱۵/۶	۱۴۴۵/۶	۴۰۶۱/۲	۹۳۵۱۸	۴/۳۴
۱۳۷۳	۳۸۵۴/۱	۱۶۳۶/۶	۵۴۹۰/۷	۱۲۹۳۵۰/۸	۴/۲۴
۱۳۷۴	۵۶۴۷/۵	۱۶۵۷/۵	۷۳۰۵	۱۸۶۱۲۴/۹	۳/۹۲
۱۳۷۵	۸۹۹۲/۲	۳۶۳۸/۴	۱۲۶۳۰/۶	۲۳۹۹۶۲/۶	۵/۲۶

مأخذ: آمار خزانه.

دانش لازم از جریان انتقال این مالیات‌ها معمولاً باعث فزونی نسبت مالیات پرداختی توسط افراد کم‌درآمد در مقایسه با افراد مرفه می‌شود.

۲. براساس جدول شماره ۲ وصول مالیات بر درآمد به تفکیک مالیات حقوق و مالیات مشاغل برای سال‌های مورد نظر مقایسه شده است. مالیات حقوق از ۲۶/۷ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۱۵۸۶/۶ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ و مالیات مشاغل از ۱۴/۵ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۱۲۱۴/۴ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ افزایش یافته است. همچنین، جمع مالیات بر درآمد (مالیات حقوق و مالیات مشاغل) از ۴۱/۲ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۲۸۰۱ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ افزایش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که مالیات حقوق همواره بیشترین درصد مالیات بر درآمد را تشکیل داده است. همچنین، مالیات حقوق دولتی بعد از ۱۳۷۱ که نظام هماهنگ پرداخت اجرا شده است، نسبت به مالیات حقوق غیردولتی سهم بیشتری را از کل مالیات حقوق به خود اختصاص داده است. این امر مبین لزوم بازنگری در نحوه محاسبه مالیات حقوق دولتی به منظور افزایش درآمد قابل تصرف شاغلان بخش دولتی است که جمعیت قابل توجهی از شاغلان کشور را تشکیل می‌دهند.

۳. در جدول شماره ۳ جمعیت شاغل بر حسب وضع شغلی در شغل اصلی برای سال‌های مورد نظر مشاهده می‌شود. کل جمعیت بخش خصوصی از ۷/۰۸۵/۶۷۹ نفر در ۱۳۵۵ به ۹/۷۹۴/۱۶۹ نفر در ۱۳۷۵، و کل جمعیت شاغل بخش عمومی از ۱/۶۷۳/۰۹۲ نفر در ۱۳۵۵ به ۴/۲۵۷/۹۶۷ نفر در ۱۳۷۵ افزایش یافته است. لازم به ذکر است که جدول مذکور بر اساس آمارهای مربوط به سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ و با استفاده از رشد متوسط برای یافتن ارقام بین سال‌های مذکور ارائه شده است. جدول مذکور مبین فزونی جمعیت شاغل بخش خصوصی نسبت به جمعیت شاغل بخش عمومی است که لزوم توجه به این بخش از نظر اعمال سیاست‌های اقتصادی - مالیاتی به منظور کاهش سهم مالیات حقوق بخش عمومی و افزایش این سهم به بخش خصوصی را نشان می‌دهد. همچنین، از کل جمعیت شاغل بخش خصوصی در سال‌های مورد نظر همواره بیش از ۵۰ درصد جمعیت این بخش را کارکنان مستقل این بخش تشکیل می‌دهند که نشانگر لزوم توجه بیشتر به این گروه از شاغلان بخش خصوصی است.

۴. جدول شماره ۴ وضعیت بخش عمومی براساس جمعیت شاغل، جبران خدمات کارکنان،

جدول شماره ۲: وصولی مالیات بر درآمد به تفکیک منابع، ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵

(ارقام به میلیارد ریال)

منابع مالیاتی سال	مالیات بر حقوق دولتی	مالیات بر حقوق غیردولتی	جمع مالیات حقوق	مالیات مشاغل	جمع مالیات بر درآمد
۱۳۵۵	۱۱/۱	۱۵/۶	۲۶/۷	۱۴/۵	۴۱/۲
۱۳۵۶	۱۲/۸	۲۷/۶	۴۰/۴	۱۱/۴	۵۱/۸
۱۳۵۷	۱۳/۳	۳۰/۹	۴۴/۲	۸/۶	۵۲/۸
۱۳۵۸	۲۶/۸	۳۳/۵	۶۰/۲	۷/۹	۶۸/۱
۱۳۵۹	۲۶/۴	۲۵/۱	۵۱/۵	۸/۹	۶۰/۴
۱۳۶۰	۲۵/۱	۳۰/۵	۵۵/۶	۱۶/۸	۷۲/۳
۱۳۶۱	۲۸/۷	۳۶/۲	۶۴/۹	۲۱/۵	۸۶/۴
۱۳۶۲	۲۲/۵	۳۶/۱	۵۸/۶	۲۲	۸۰/۶
۱۳۶۳	۲۸/۲	۴۴/۶	۷۲/۸	۲۴/۴	۹۷/۲
۱۳۶۴	۳۲/۲	۵۴/۳	۸۶/۵	۳۶/۲	۱۲۲/۷
۱۳۶۵	۴۰/۳	۵۲/۵	۹۲/۸	۵۴/۸	۱۴۷/۶
۱۳۶۶	۳۱/۸	۳۸/۹	۷۰/۷	۷۹/۸	۱۵۰/۵
۱۳۶۷	۲۷/۷	۴۲	۶۹/۷	۸۶/۴	۱۵۶/۱
۱۳۶۸	۴۴/۸	۴۵	۸۸/۸	۱۱۳/۴	۲۰۲/۲
۱۳۶۹	۶۳	۶۳/۷	۱۲۶/۷	۱۵۴/۷	۲۸۱/۴
۱۳۷۰	۱۱۴/۹	۱۱۴/۵	۲۲۹/۴	۲۱۹/۳	۴۴۸/۷
۱۳۷۱	۱۱۱/۷	۱۰۰	۲۱۱/۷	۲۹۳/۵	۵۰۵/۲
۱۳۷۲	۱۹۲/۳	۱۴۶/۱	۳۳۸/۴	۳۷۱/۷	۷۱۰/۱
۱۳۷۳	۲۱۴/۰	۲۰۶۶/۲	۴۸۰/۲	۵۶۰/۲	۱۰۴۰/۴
۱۳۷۴	۴۶۵/۸	۴۳۴	۸۹۹/۸	۸۵۳/۳	۱۷۵۳/۱
۱۳۷۵	۸۸۸/۹	۶۹۷/۷	۱۵۸۶/۶	۱۲۱۴/۴	۲۸۰۱/۰

جدول شماره ۳: جمعیت شاغل برحسب وضع شغلی در شغل اصلی

سال	جمع شاغلان	جمع بخش خصوصی	کارفرمایان بخش خصوصی	کارکنان مستقل بخش خصوصی	حقوق بگیران بخش خصوصی	کارکنان فامیلی بخش خصوصی	تعاونی و اظهارنشده	بخش عمومی
۱۳۵۵	۸۷۹۹۴۲۰	۷۰۸۵۶۷۹	۱۸۲۲۲۹	۲۸۱۰۲۱۱	۳۰۷۱۹۲۷	۱۰۲۱۳۱۲	۴۰۶۴۹	۱۶۷۳۰۹۲
۱۳۵۶	۹۱۶۶۱۱۱	۷۰۸۶۵۱۸	۲۰۴۲۵۲	۳۰۴۷۶۸۳	۲۹۳۷۰۲۰	۹۵۴۲۷۴	۶۳۱۳۵	۱۹۰۸۷۱۷
۱۳۵۷	۹۳۵۲۰۶۷	۷۰۸۶۹۳۷	۲۱۶۲۴۲	۳۱۷۳۲۳۹	۲۸۰۸۰۵۷	۸۹۱۶۴۱	۷۸۶۸۳	۲۰۳۸۶۹۵
۱۳۵۸	۹۵۴۳۸۷۷	۷۰۸۷۳۵۷	۲۲۸۹۳۶	۳۳۰۵۲۱۷	۲۶۸۴۷۵۷	۸۳۳۱۱۸	۹۸۰۶۰	۲۱۷۷۵۲۴
۱۳۵۹	۹۷۳۹۶۲۲	۷۰۸۷۷۷۶	۲۴۲۳۷۵	۳۴۴۲۰۳۳	۲۵۶۶۸۷۱	۷۷۸۴۳۷	۱۲۲۲۰۹	۲۳۲۵۸۰۷
۱۳۶۰	۹۹۳۹۳۸۲	۷۰۸۸۱۹۶	۲۵۶۶۰۳	۳۵۸۴۵۱۳	۲۴۵۴۶۶۱	۷۲۷۳۴۵	۱۵۲۳۰۵	۲۴۸۴۱۸۸
۱۳۶۱	۱۰۱۴۳۲۳۹	۷۰۸۸۶۱۶	۲۷۱۶۶۷	۳۷۳۲۸۹۰	۲۴۴۶۴۰۱	۶۷۹۶۰۶	۱۸۹۸۱۳	۲۶۵۳۳۵۳
۱۳۶۲	۱۰۳۵۱۲۷۷	۷۰۸۹۰۳۵	۲۸۷۶۱۴	۳۸۸۷۴۰۹	۲۴۴۳۳۷۱	۶۳۵۰۰۰	۲۳۶۵۵۸	۲۸۳۴۰۳۹
۱۳۶۳	۱۰۵۶۳۵۸۱	۷۰۸۹۴۵۵	۳۰۴۴۹۸	۴۰۴۸۳۲۵	۲۴۴۸۶۶۶	۵۹۳۳۲۲	۲۴۸۸۱۵	۳۰۲۷۰۲۸
۱۳۶۴	۱۰۷۸۰۲۴۰	۷۰۸۹۸۷۵	۳۲۲۳۷۳	۴۲۱۵۹۰۱	۲۰۵۰۶۸۶	۵۵۴۳۸۰	۳۶۷۴۱۸	۳۲۳۳۱۶۰
۱۳۶۵	۱۱۰۰۱۵۴۲	۷۰۹۰۲۹۶	۳۴۱۳۰۱	۴۳۹۰۴۵۱	۱۸۷۴۵۴۹	۴۸۳۹۹۵	۴۵۷۹۰۳	۳۴۵۳۳۴۳
۱۳۶۶	۱۱۶۵۹۷۳۶	۷۵۴۲۰۴۶	۳۵۸۵۹۰	۴۷۱۹۳۹۱	۲۰۲۰۲۲۲	۴۵۵۶۶۴	۴۰۴۴۰۷	۳۷۲۸۲۸۷
۱۳۶۷	۱۲۰۰۳۳۴۹	۷۷۷۸۶۰۲	۳۶۷۵۶۰	۴۸۹۲۹۸۹	۲۰۹۷۸۷۲	۴۲۸۹۹۳	۳۵۷۱۶۲	۳۸۷۳۸۶۲
۱۳۶۸	۱۲۳۵۷۰۸۷	۸۰۲۲۵۷۸	۳۷۶۷۵۵	۵۰۷۲۹۲۷	۲۱۷۸۰۷۶	۴۰۳۸۸۳	۳۱۵۴۳۷	۴۰۲۵۱۲۰
۱۳۶۹	۱۲۷۷۱۱۲۵۱	۸۲۷۴۲۰۶	۳۸۶۱۷۹	۵۲۵۹۵۷۷	۲۲۶۱۳۴۶	۳۸۰۲۴۲	۷۸۵۸۶	۴۱۸۲۲۸۵۲
۱۳۷۰	۱۳۰۹۶۶۱۵	۸۵۳۳۷۳۰	۳۹۵۸۴۱	۵۴۵۳۰۵۲	۲۳۴۷۸۰۴	۳۳۷۰۳۳	۲۱۷۲۹۷	۴۳۴۵۵۸۸
۱۳۷۱	۱۳۵۷۰۸۸۵	۸۹۳۴۷۳۷	۴۳۵۶۰۲	۵۴۰۹۸۵۴	۲۶۲۲۰۷۲	۴۴۹۰۵۸	۲۹۰۵۴۵	۴۳۳۰۸۵۲
۱۳۷۲	۱۳۸۱۴۴۱۴	۹۱۴۲۴۶۶	۴۵۶۶۵۷	۵۳۶۷۰۰۹	۲۷۷۰۹۹۶	۵۱۸۳۴۴	۳۳۵۹۶۴	۴۳۱۶۱۷۷
۱۳۷۳	۱۴۰۶۲۳۱۴	۹۳۵۴۵۷۵	۴۷۹۳۵۷	۵۳۲۴۵۰۳	۲۹۲۸۳۷۷	۵۹۸۳۲۰	۳۸۸۴۸۳	۴۳۰۱۵۵۲
۱۳۷۴	۱۴۳۱۴۶۶۲	۹۵۷۱۸۳۵	۵۰۲۸۵۷	۵۲۸۲۳۳۴	۳۰۹۴۶۹۷	۶۹۰۶۳۵	۴۴۹۲۱۲	۴۲۸۶۹۷۶
۱۳۷۵	۱۴۵۷۱۵۷۲	۹۷۹۴۶۶۹	۵۲۷۵۱۰	۵۱۹۸۹۹۱	۳۲۷۰۴۷۳	۷۹۷۱۹۵	۵۱۹۴۳۷	۴۲۵۷۹۶۷

مأخذ: مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه، تیر ۱۳۷۶؛ و با استفاده از میزان رشد برای یافتن اعداد بین سرشماری‌های سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵.

ارزش افزوده و مالیات حقوق بخش دولتی را نشان می‌دهد که مؤید افزایش جبران خدمات کارکنان از ۶/۴۷۹ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۹۸/۱۷۷ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ و نیز ارزش افزوده از ۹/۴۹۸ میلیارد ریال به ۵/۲۲۴۳۷ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ است. همچنین، سهم مالیات حقوق از جبران خدمات کارکنان ارائه شده است که بین ۱۲/۱ درصد و ۹۹/۴ درصد برای سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵ در نوسان است و نشان می‌دهد که افزایش مالیات حقوق نسبت به افزایش جبران خدمات کارکنان در سال‌های مذکور سیر صعودی داشته است. این امر کاهش درآمد قابل تصرف شاغلان این بخش را نسبت به سال‌های قبل نشان می‌دهد و بر لزوم بازنگری میزان معافیت‌های حقوق و مکانیزم اجرایی آن تأکید می‌ورزد.

۵. جدول شماره ۵ وضعیت بخش صنعت براساس تعداد کارکنان، جبران خدمات کارکنان و ارزش افزوده این بخش ارائه شده است که به علت فقدان اطلاعات لازم از حیث جبران خدمات کارکنان بخش صنعت، در این تحقیق بخش صنعت تحت عنوان کارگاه‌های بزرگ صنعتی در نظر گرفته شده است. جدول مذکور مؤید آن است که شاغلان این بخش از ۶۱۱/۲۷۰ نفر در ۱۳۵۵ به ۶۹۱/۵۶۳ نفر در ۱۳۷۵، و جبران خدمات کارکنان از ۷/۶۸ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۳/۵۷۱۶ میلیارد ریال و ارزش افزوده این بخش از ۹/۲۹۶ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۶/۱۹۳۹۰ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ افزایش یافته است. همچنین، به لحاظ ارتباط مالیات بر شرکت‌ها در بخش تولیدی به بخش صنعت، آمار وصول مالیات بر شرکت‌های تولیدی با فرض ۶۵ درصد کل مالیات بر شرکت‌ها ارائه شده که از ۷/۸۳ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۸/۳۴۹۵ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ بالغ گردیده است. (علت فرض مذکور، فقدان آمار دقیق در این مورد و اظهار نظر متخصصان مالیاتی مبنی بر ۶۵ درصد تا ۷۵ درصد کل مالیات بر شرکت‌ها برای درج آمار مالیات بر شرکت‌های تولیدی به عنوان منبع محاسبه مورد استفاده قرار گرفته است.)

جدول مذکور گویای این مطلب است که طی سال‌های مورد مطالعه همواره میزان مالیات پرداختی توسط این بخش نسبت به ارزش افزوده آن درصد بسیار کمی را نشان می‌دهد، لذا توجه به این بخش برای یافتن راهکارهای افزایش وصول مالیات قابل تأمل است.

۶. جدول شماره ۶ وضعیت بخش خدمات براساس جمعیت شاغل، جمعیت مزد و حقوق‌بگیر، و جبران خدمات کارکنان را نشان می‌دهد. شایان ذکر است که اطلاعات آماری

جدول شماره ۴: وضعیت بخش عمومی

سال	جمعیت شاغل ^۱	جبران خدمات کارکنان (میلیارد ریال) ^۲	ارزش افزوده خدمات عمومی (میلیارد ریال) ^۳	مالیات حقوق بخش دولتی (میلیارد ریال) ^۴	سهم مالیات حقوق از جبران خدمات کارکنان (درصد)
۱۳۵۵	۱۶۷۳۰۹۲	۴۷۹/۶	۴۹۸/۹	۱۱/۱	۲/۳۱
۱۳۵۶	۱۹۰۸۷۱۷	۶۲۴	۶۵۰/۸	۱۲/۸	۲/۰۵
۱۳۵۷	۲۰۳۸۶۹۵	۷۶۵/۲	۷۹۸/۴	۱۳/۳	۱/۷۳
۱۳۵۸	۲۱۷۷۵۲۴	۱۰۵۸/۳	۱۰۹۸/۶	۲۶/۷	۲/۵۲
۱۳۵۹	۲۳۲۵۸۰۷	۱۱۲۴/۶	۱۱۷۲/۴	۲۶/۴	۲/۳۴
۱۳۶۰	۲۴۸۴۱۸۸	۱۲۶۱/۸	۱۳۲۴/۰	۲۵/۱	۱/۹۸
۱۳۶۱	۲۶۵۳۳۵۳	۱۴۱۹/۶	۱۴۹۸/۷	۲۸/۷	۱/۰۲
۱۳۶۲	۲۸۳۴۰۳۹	۱۵۹۶/۹	۱۶۸۲/۲	۲۲/۵	۱/۴۰
۱۳۶۳	۳۰۲۷۰۲۸	۱۶۴۰/۱	۱۷۳۶/۶	۲۸/۲	۱/۷۱
۱۳۶۴	۳۲۳۳۱۶۰	۱۸۸۳/۱	۱۹۷۹/۳	۳۲/۲	۱/۷۰
۱۳۶۵	۳۴۵۳۳۴۳	۱۹۲۷/۴	۲۰۴۳/۹	۴۰/۳	۲/۰۹
۱۳۶۶	۳۷۲۸۲۸۷	۲۱۸۱/۸	۲۳۳۰/۰	۳۱/۸	۱/۴۵
۱۳۶۷	۳۸۷۳۸۶۲	۲۴۶۶	۲۴۰۰/۹	۲۷/۷	۱/۱۲
۱۳۶۸	۴۰۲۵۱۲۰	۲۶۰۵/۹	۲۶۰۶/۸	۴۴/۸	۱/۷۱
۱۳۶۹	۴۱۸۲۲۸۵	۳۰۹۱/۶	۳۰۹۱/۶	۶۳	۲/۰۳
۱۳۷۰	۴۳۴۵۵۸۸	۴۱۹۳/۲	۴۲۰۰/۹	۱۱۴/۹	۱/۷۴
۱۳۷۱	۴۳۳۰۸۵۲	۵۴۸۷/۵	۵۳۲۶/۷	۱۱۱/۷	۲/۰۳
۱۳۷۲	۴۳۱۶۱۷۷	۱۰۵۷۸/۲	۸۵۷۶/۰	۱۹۲/۳	۱/۸۱
۱۳۷۳	۴۳۰۱۵۵۲	۱۲۴۶۴/۳	۱۱۶۸۹/۱	۲۱۴/۰	۱/۷۱
۱۳۷۴	۴۲۸۶۹۷۶	۱۶۷۹۰/۶	۱۶۸۳۲/۳	۴۶۵/۸	۲/۷۷
۱۳۷۵	۴۲۵۷۹۶۷	۱۷۷۹۸*	۲۲۴۳۷/۵*	۸۸۸/۹	۴/۹۹

۱. مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه.
 ۲. حساب‌های ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 ۳ و ۴. آمار خزانه.
 * آمار مقدماتی.

جدول شماره ۵: وضعیت بخش صنعت (کارگاه‌های بزرگ صنعتی)

سال	تعداد کارکنان (نفر) ^۱	جبران خدمات کارکنان (میلیارد ریال) ^۲	ارزش افزوده (میلیارد ریال) ^۳	مالیات بر شرکت‌های تولیدی (میلیارد ریال) ^۴
۱۳۵۵	۲۷۰۹۶۱	۶۸/۷	۲۹۶/۹	۸۳/۷
۱۳۵۶	۲۷۴۹۱۳	۸۷/۲	۳۴۵/۳	۱۰۴/۱۲
۱۳۵۷	۲۸۰۲۰۲	۱۰۹/۷	۳۱۶/۸	۱۳۰/۰۵
۱۳۵۸	۲۹۸۰۲۹	۱۷۹/۴	۳۱۳/۵	۹۲/۸۸
۱۳۵۹	۳۱۶۳۲۵	۲۱۷/۴	۴۵۵/۹	۲۹/۸۳
۱۳۶۰	۳۲۶۶۵۵	۲۳۹	۶۰۸/۶	۱۴۷/۹۴
۱۳۶۱	۴۰۲۶۳۱	۳۰۶/۹	۷۶۷/۱	۱۱۲/۹۸
۱۹۶۲	۴۳۷۲۱۴	۳۶۰/۵	۹۱۹/۴	۱۳۵/۳۳
۱۳۶۳	۴۶۴۰۸۶	۴۰۸/۵	۱۰۴۴/۳	۱۶۷/۴۴
۱۳۶۴	۴۷۷۱۲۲	۴۵۷/۱	۱۰۴۲/۱	۲۳۲/۴۴
۱۳۶۵	۴۵۹۰۷۶	۴۴۲	۹۹۰/۷	۲۴۲/۷۷
۱۳۶۶	۴۴۵۸۱۱	۴۷۸/۵	۱۲۰۴/۷	۲۴۳/۳۶
۱۳۶۷	۴۴۷۱۵۹	۵۴۸/۵	۱۵۳۲/۳	۲۵۵/۱۲
۱۳۶۸	۴۴۷۶۱۷	۶۱۲/۹	۱۹۵۳/۶	۲۲۱/۰۵
۱۳۶۹	۵۲۵۸۷۰	۹۹۶/۳	۳۱۷۸/۵	۳۲۲/۰۷
۱۳۷۰	۵۵۸۸۷۱	۱۴۵۵/۲	۵۰۲۲/۴	۵۰۳/۴۹
۱۳۷۱	۵۶۷۶۷۵	۱۹۲۹/۱	۶۷۰۵	۸۴۳/۱۸
۱۳۷۲	۵۶۰۲۳۷	۲۴۵۷/۱	۸۷۹۶/۹	۱۰۴۰/۶۸
۱۳۷۳	۵۵۲۳۸۵	۳۰۹۱/۲	۱۲۸۲۰/۸	۱۵۵۸/۸۳
۱۳۷۴	۵۵۷۸۸۴	۴۲۶۵/۱	۱۸۴۳۲/۲	۲۱۴۲/۴۷
۱۳۷۵	۵۶۳۶۹۱	۵۷۱۶/۳	۱۹۳۹۰/۶*	۳۴۹۵/۸۳

۱ و ۲. نتایج بررسی کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور، اداره آمار اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 ۳. حساب‌های ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
 ۴. آمار خزانه، براساس ۶۵ درصد کل مالیات بر شرکت‌ها.
 * آمار مقدماتی.

جدول شماره ۶: وضعیت بخش خدمات (خصوصی)

سال	جمعیت شاغل ^۱	جمعیت مزد و حقوق بگیر ^۲	جبران خدمات کارکنان (میلیارد ریال) ^۳
۱۳۵۵	۱۳۹۹۲۰۰	۶۰۷۶۵۸	۱۲۷/۱۷
۱۳۵۶	۱۴۷۶۹۳۹	۵۹۵۰۸۵	۱۳۳/۰۷
۱۳۵۷	۱۵۱۷۴۰۷	۵۸۳۰۷۴	۱۴۶/۶۲
۱۳۵۸	۱۵۵۸۹۸۴	۵۷۱۳۰۵	۱۶۴/۲۹
۱۳۵۹	۱۶۰۱۷۰۰	۵۵۹۷۷۴	۱۴۸/۷۸
۱۳۶۰	۱۶۶۵۵۸۷	۵۴۸۴۷۵	۲۱۲/۸۱
۱۳۶۱	۱۶۹۰۶۷۶	۵۳۷۴۰۵	۲۴۰/۳۳
۱۳۶۲	۱۷۳۷۰۰۰	۵۲۶۵۵۷	۳۰۴/۱۱
۱۳۶۳	۱۷۸۴۵۹۴	۵۱۵۹۲۹	۳۳۶/۶۳
۱۳۶۴	۱۸۳۳۴۹۲	۵۰۵۵۱۶	۳۵۹/۶۹
۱۳۶۵	۱۸۸۳۸۰۰	۴۸۵۲۵۹	۳۶۴/۳۴
۱۳۶۶	۲۱۰۴۶۰۷	۵۵۳۶۶۲	۴۴۳/۰۸
۱۳۶۷	۲۲۲۴۳۵۹	۵۹۱۳۹۴	۵۵۰/۳۰
۱۳۶۸	۲۳۵۰۹۲۵	۶۳۱۶۹۸	۶۷۶/۳۷
۱۳۶۹	۲۴۸۴۶۹۳	۶۷۴۷۴۸	۸۱۹/۹۰
۱۳۷۰	۲۶۲۶۹۰۰	۷۲۰۷۵۴	۱۰۹۶/۸۰
۱۳۷۱	۲۷۷۱۱۳۵	۷۶۹۹۹۳	۱۳۸۹/۹۳
۱۳۷۲	۲۸۴۶۱۷۸	۷۹۵۸۶۰	۱۷۶۰/۶۷
۱۳۷۳	۲۹۲۳۲۵۲	۸۲۲۵۹۵	۲۴۸۸/۱۱
۱۳۷۴	۳۰۰۲۴۱۴	۸۵۰۲۲۸	۳۳۷۸/۵۰
۱۳۷۵	۳۰۸۳۸۰۰	۸۷۸۷۹۳	۴۰۰۹/۲۸

۲ و ۱. مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ (ارغام بین سال‌های مذکور با استفاده از رشد متوسط قید شده است).
 ۳. با استفاده از مقایسه بین ستون‌های جمعیت مزد و حقوق‌بگیر این جدول و ۱۵ فعالیت خدماتی و ستون جبران خدمات کارکنان ۱۵ فعالیت خدماتی (با فرض ضریب ثابت پرداختی برای سایر فعالیت‌هایی که در جدول شماره ۷ قید نشده است).

مذکور در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فقط برای ۱۴ فعالیت خدماتی از جمله مهد کودک‌ها، حمل و نقل زمینی، هتل‌ها و مسافرخانه‌ها، دفاتر اسناد رسمی و مانند آن موجود بود. همچنین، مرکز آمار ایران اطلاعات آماری مربوط به فعالیت عمده فروشی و خرده‌فروشی را فقط برای سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۳ در اختیار داشت که با مقایسه جبران خدمات کارکنان و هزینه واسطه اعلام شده برای سال‌های یاد شده، ۲۰ درصد هزینه واسطه این فعالیت به‌عنوان جبران خدمات کارکنان برای بقیه سال‌ها منظور شد. همچنین، برای تعداد شاغلان این فعالیت از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ و با استفاده از رشد متوسط برای یافتن ارقام بین سال‌های مذکور استفاده شد. با جمع‌بندی کلی، اطلاعات مورد نیاز فقط برای ۱۵ فعالیت خدماتی به دست آمد، اما برای ارائه آمار دقیق‌تر، با مقایسه اطلاعات استخراج شده مربوط به اشتغال ۱۵ فعالیت خدماتی و اطلاعات، اشتغال در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ مربوط به بخش خدمات و با فرض ضریب ثابت برای سایر فعالیت‌ها (غیر از ۱۵ فعالیت) اطلاعات مربوط به بخش خدمات در جدول شماره ۶ ارائه شد. جمعیت شاغل این بخش از ۱/۳۹۹/۲۰۰ نفر در ۱۳۵۵ به ۳/۰۸۳/۸۰۰ نفر در ۱۳۷۵ و جمعیت مزد و حقوق‌بگیر از ۶۰۷/۶۵۸ نفر در ۱۳۵۵ به ۸۷۸/۷۹۳ نفر در ۱۳۷۵ بالغ گردیده است. همچنین، جبران خدمات کارکنان این بخش از ۱۲۷/۱۷ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۴۰۰۹/۲۸ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ افزایش نشان می‌دهد که جدول مذکور گویای این مطلب است که از کل جمعیت شاغل در سال‌های مورد مطالعه تقریباً ۱۰ درصد آن مزد و حقوق‌بگیر بوده‌اند که در نتیجه درآمد ۹۰ درصد جمعیت این بخش آشکار نمی‌شود. تأمل بر شناسایی درآمد این گروه قابل توجه، برای وصول مالیات می‌تواند به استقرار عدالت مالیاتی کمک کند. همچنین، افزایش شدید جبران خدمات کارکنان این بخش از سال‌های ۱۳۷۰ به بعد نشان‌دهنده اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت برای تقویت بنیه اقتصادی شاغلان این بخش بوده است.

۷. جدول شماره ۷ ارزش افزوده بخش‌های خدمات، صنعت و عمومی را مورد مقایسه قرار می‌دهد که حاکی از آن است که ارزش افزوده بخش خدمات از ۱۶۴۵/۵ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۹۸۹۴۷/۲ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ و ارزش افزوده بخش صنعت از ۲۹۶/۹ میلیارد

جدول شماره ۷: جدول مقایسه‌ای ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی (میلیارد ریال)

بخش سال	خدمات	صنعت (کارگاه‌های بزرگ صنعتی)	عمومی
۱۳۵۵	۱۶۴۵/۵	۲۹۶/۹	۴۹۸/۹
۱۳۵۶	۲۱۵۶/۵	۲۴۵/۳	۶۵۰/۸
۱۳۵۷	۲۴۲۴/۴	۳۱۶/۸	۷۹۸/۴
۱۳۵۸	۲۸۲۳/۶	۳۱۳/۵	۱۰۹۸/۶
۱۳۵۹	۳۳۹۶/۲	۴۵۵/۹	۱۱۷۲/۴
۱۳۶۰	۳۸۷۱/۹	۶۰۸/۶	۱۳۲۴
۱۳۶۱	۴۵۴۳/۴	۷۱۷/۱	۱۴۹۸/۷
۱۳۶۲	۶۱۶۱/۱	۹۱۹/۴	۱۶۸۲/۲
۱۳۶۳	۷۰۶۸/۱	۱۰۴۴/۳	۱۷۳۶/۶
۱۳۶۴	۷۹۳۹/۴	۱۰۴۲/۱	۱۹۷۹/۳
۱۳۶۵	۸۵۲۵/۸	۹۹۰/۷	۲۰۴۳/۹
۱۳۶۶	۱۰۱۸۸/۱	۱۲۰۴/۷	۲۳۳۰
۱۳۶۷	۱۱۹۲۲/۲	۱۵۳۲/۳	۲۴۰۰/۹
۱۳۶۸	۱۴۱۶۲/۸	۱۹۵۳/۶	۲۶۰۶/۸
۱۳۶۹	۱۷۳۹۸/۹	۳۱۷۸/۵	۳۰۹۱/۶
۱۳۷۰	۲۴۱۹۲/۶	۵۰۲۲/۴	۴۲۰۰/۹
۱۳۷۱	۳۰۸۹۰/۵	۶۷۰۵	۵۳۲۶/۷
۱۳۷۲	۴۱۱۴۶	۸۷۹۶/۹	۸۵۷۶
۱۳۷۳	۵۴۵۲۸/۲	۱۲۸۲۰/۸	۱۱۶۸۹/۱
۱۳۷۴	۷۵۸۶۲/۱	۱۸۴۳۲/۲	۱۶۸۳۲/۳
۱۳۷۵	۹۸۹۶۷/۲	۱۹۳۹۰/۶	۲۲۴۳۷/۵

مأخذ: حساب‌های ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ریال در ۱۳۵۵ به ۱۹۳۹۰/۶ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ و ارزش افزوده بخش عمومی از ۴۹۸/۹ میلیارد ریال در ۱۳۵۵ به ۲۲۴۳۷/۵ میلیارد ریال در ۱۳۷۵ بالغ گردیده است. این مقایسه نشان دهنده فزونی ارزش افزوده بخش خدمات طی سال‌های مورد مطالعه نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی است که علت آن انجام فعالیت‌های واسطه‌گری است که نیاز به تخصص خاصی ندارد و درآمدهای ایجاد شده حاصل تولید نیست. لزوماً افزایش مالیات از این بخش از فعالیت‌های اقتصادی برای هدایت و تقویت سایر بخش‌های اقتصادی می‌تواند راهگشا باشد.

۸. جدول شماره ۸ مقایسه ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی با منابع مالیاتی مربوط را نشان می‌دهد. در این مقایسه نسبت مالیات بر شرکت‌های تولیدی به ارزش افزوده بخش صنعت بین ۶/۵۴ درصد (سال ۱۳۵۹) و ۴۱/۰۵ درصد (سال ۱۳۵۷) در نوسان است. همچنین، نسبت مالیات مشاغل به ارزش افزوده بخش خدمات بین ۰/۲۶ درصد در ۱۳۵۹ و ۱/۲۲ درصد در ۱۳۷۵ و نسبت مالیات حقوق بخش دولتی به ارزش افزوده بخش عمومی بین ۱/۱۵ درصد در ۱۳۶۷ و ۳/۹۶ درصد در ۱۳۷۵ متغیر است. در مجموع، سهم مالیات پرداختی از جانب بخش خدمات نسبت به ارزش افزوده آن حداکثر ۱/۲۲ درصد است، در صورتی که سهم مالیات پرداختی از جانب بخش‌های عمومی و صنعت نسبت به ارزش افزوده آن‌ها حداکثر ۳/۹۶ درصد و ۱۸/۰۲ درصد است. این ارقام نشان می‌دهد که بخش خدمات نسبت به سایر بخش‌های مورد مطالعه همواره سهم کمتری از مالیات پرداختی را داشته است. مضافاً به این که بخش مذکور همواره ارزش افزوده بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها دارد که لزوم تأکید بر مالیات مشاغل را نشان می‌دهد.

در این زمینه می‌توان به اهم مشکلات و تنگناهایی که در زمینه وصول مالیات بر مشاغل وجود دارد به شرحی که در پی می‌آید، اشاره نمود:

۱. مشکلات مربوط به عدم شناخت کافی از پدیده مالیات در جامعه؛
۲. اشکالات قانونی؛
۳. مشکلات مربوط به عدم ارسال اظهارنامه توسط مؤدی و یا مخدوش بودن آن؛
۴. مشکلات مربوط به استفاده از تشخیص علی‌الرأس مالیات؛
۵. وجود وقفه‌های زمانی در زمینه وصول مالیات مشاغل؛

جدول شماره ۸: جدول مقایسه‌ای بخش‌های اقتصادی از نظر مالیات و ارزش افزوده برای،

(۱۳۷۵ - ۱۳۵۵) (ارقام به میلیارد ریال)

عمومی		خدمات			صنعت			بخش	
سهام مالیات حقوق دولتی از ارزش افزوده	ارزش افزوده	مالیات حقوق دولتی	سهام مالیات مشاغل از ارزش افزوده	ارزش افزوده	مالیات مشاغل	سهام مالیات شرکت‌ها از ارزش افزوده	ارزش افزوده	مالیات شرکت‌ها بخش تولیدی	سال
۲/۲۲	۴۹۸/۹	۱۱/۱	۰/۸۸	۱۶۴۵/۵	۱۴/۵	۲۸/۱۹	۲۹۶/۹	۸۳/۷	۱۳۵۵
۱/۹۶	۶۵۰/۸	۱۲/۸	۰/۵۲	۲۱۵۶/۵	۱۱/۴	۳۰/۱۵	۳۴۵/۳	۱۰۴/۱۲	۱۳۵۶
۱/۶۶	۷۹۸/۴	۱۳/۳	۰/۳۵	۲۴۲۴/۴	۸/۶	۴۱/۰۵	۳۱۶/۸	۱۳۰/۰۵	۱۳۵۷
۲/۴۳	۱۰۹۸/۶	۲۶/۷	۰/۲۷	۲۸۲۳/۶	۷/۹	۲۹/۶۲	۳۱۳/۵	۹۲/۸۸	۱۳۵۸
۲/۲۵	۱۱۷۲/۴	۲۶/۴	۰/۲۶	۳۳۹۶/۲	۸/۹	۶/۵۴	۴۵۵/۹	۲۹/۸۳	۱۳۵۹
۱/۸۹	۱۳۲۴	۲۵/۱	۰/۴۳	۳۸۷۱/۹	۱۶/۸	۲۴/۳۰	۶۰۸/۶	۱۴۷/۹۴	۱۳۶۰
۱/۹۱	۱۴۹۸/۷	۲۸/۷	۰/۴۷	۴۵۴۳/۴	۲۱/۵	۱۴/۷۲	۷۶۷/۱	۱۱۲/۹۷	۱۳۶۱
۱/۳۳	۱۶۸۲/۲	۲۲/۵	۰/۳۵	۶۱۶۱/۱	۲۲	۱۴/۷۱	۹۱۹/۴	۱۳۵/۳۳	۱۳۶۲
۱/۶۲	۱۳۶/۶	۲۸/۲	۰/۳۴	۷۰۶۸/۱	۲۴/۴	۱۶/۰۳	۱۰۴۴/۳	۱۶۷/۴۴	۱۳۶۳
۱/۶۲	۱۹۷۲/۳	۳۲/۲	۰/۴۵	۷۹۳۹/۴	۳۶/۲	۲۲/۳۰	۱۰۴۲/۱	۲۳۲/۴۴	۱۳۶۴
۱/۹۷	۲۰۴۳/۹	۴۰/۳	۰/۶۴	۸۵۲۵/۸	۵۴/۸	۲۴/۵	۹۹۰/۷	۲۴۲/۷۷	۱۳۶۵
۱/۳۶	۲۳۳۰	۳۱/۸	۰/۷۸	۱۰۱۸۸/۱	۷۹/۸	۲۰/۲	۱۲۰۴/۷	۲۴۳/۳۶	۱۳۶۶
۱/۱۵	۲۴۰۰/۹	۲۷/۷	۰/۷۲	۱۱۹۲۲/۲	۸۶/۴	۱۶/۶۴	۱۵۳۲/۳	۲۵۵/۱۲	۱۳۶۷
۱/۷۱	۲۶۰۶/۸	۴۴/۸	۰/۸	۱۴۱۶۲/۸	۱۱۳/۴	۱۱/۳۱	۱۹۵۳/۶	۲۲۱/۰۵	۱۳۶۸
۲/۰۳	۳۰۹۱/۶	۶۳	۰/۸۸	۱۷۳۹۸/۹	۱۵۴/۷	۱۰/۱۳	۳۱۷۸/۵	۳۲۲/۰۷	۱۳۶۹
۲/۷۳	۴۲۰۰/۹	۱۱۴/۹	۰/۹	۲۴۱۹۲/۶	۲۱۹/۳	۱۰/۰۲	۵۰۲۲/۴	۵۰۳/۴۹	۱۳۷۰
۲/۰۹	۵۳۲۶/۷	۱۱۱/۷	۰/۹۵	۳۰۸۹۰/۵	۲۹۳/۵	۱۲/۵۷	۶۷۰۵	۸۴۳/۱۸	۱۳۷۱
۲/۲۴	۸۵۷۶	۱۹۲/۳	۰/۹	۴۱۱۴۶	۳۷۱/۷	۱۱/۸۳	۸۷۹۶/۹	۱۰۴۰/۶۸	۱۳۷۲
۱/۸۳	۱۱۶۸۹/۱	۲۱۴	۱/۰۲	۵۴۵۲۸/۲	۵۶۰/۲	۱۲/۱۵	۱۲۸۲۱	۱۵۵۸/۸۳	۱۳۷۳
۲/۷۶	۱۶۸۳۲/۳	۴۶۵/۸	۱/۱۲	۷۵۸۶۲/۱	۸۵۳/۳	۱۱/۶۲	۱۸۴۳۲	۲۱۴۲/۴۷	۱۳۷۴
۳/۹۶	۲۴۳۷/۵	۸۸۸/۹	۱/۲۲	۹۸۹۴۷/۲	۱۲۱۴	۱۸/۰۲	۱۹۳۹۱	۳۴۹۵/۸۳	۱۳۷۵

توضیح: تمام اطلاعات از جداول مربوط به بخش‌های اقتصادی انتفال یافته است.

۶. وجود واحدهای شغلی شناخته نشده؛

۷. مشکلات مربوط به واحدیابی حوزه‌ای؛

۸. مشکلات مربوط به نارسایی سازمان تشخیص.

شایان ذکر است که در یک بافت سالم اقتصادی، همزمان با رشد و توسعه فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، بخش خدمات نیز به‌عنوان پشتیبان دو بخش مزبور می‌باید از توسعه لازم برخوردار باشد. متأسفانه در چند سال اخیر وضعیت خاص اقتصادی کشور به گونه‌ای بوده است که حجم نقدینگی بخش خصوصی تا حد قابل توجهی بالا رفته و رونق تجارت و سود سرشار در آن بیشتر سرمایه‌ها و نیروها را به سوی فعالیت‌های غیرمولد سوق داده است و این در حالی است که شاغلان این بخش به نسبت درآمدهایشان در تأمین درآمدهای مالیاتی مشارکتی ندارند در صورتی که در یک بافت سالم مالیاتی تأکید بر این نوع مالیات از اهمیت خاصی برخوردار است.

۹. جدول شماره ۹ وضعیت مالیات حقوق پرداختی بخش‌های خصوصی و عمومی نسبت به جبران خدمات کارکنان بخش‌های مذکور را نشان می‌دهد که در آن سهم مالیات حقوق غیردولتی از جبران خدمات کارکنان بخش‌های صنعت و خدمات بین ۱/۳ درصد در ۱۳۷۱ و ۱۲/۵۳ درصد در ۱۳۵۶ در نوسان بوده است. همچنین، سهم مالیات حقوق دولتی از جبران خدمات کارکنان بخش عمومی بین ۱/۱۲ درصد در ۱۳۶۷ و ۴/۹۹ درصد در ۱۳۷۵ متغیر است.

اطلاعات مذکور مبین این واقعیت است که مالیات حقوق غیردولتی نسبت به مالیات حقوق دولتی در سال‌های ۱۳۷۰ و بعد از آن کاهش داشته که نشانگر اعمال سیاست‌های مالیاتی حقوق برای تقویت بنیه اقتصادی شاغلان بخش غیردولتی است که این امر برخلاف هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است که جمعیت قابل توجهی از آنان را شاغلان بخش دولتی با درآمد ثابت تشکیل می‌دهند. همچنین، عدم انطباق سیاست‌های مالیاتی حقوق با اهداف نظام هماهنگ پرداخت که در سال‌های ۱۳۷۰ و بعد از آن اجرا شده است، باعث شد هدف نهایی نظام هماهنگ پرداخت را که همانا بالا بردن درآمد قشر حقوق‌بگیر دولت بوده است، خنثی کند. خوشبختانه با تصویب قانون اصلاح ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۷۵ (تغییر معافیت مالیات حقوق) نسبت به حمایت از اقشار آسیب‌پذیر گام

جدول شماره ۹: جدول مقایسه‌ای بخش‌های خصوصی و عمومی از نظر مالیات حقوق و جبران خدمات کارکنان، ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵ (ارقام به میلیارد ریال)

بخش	خصوصی			عمومی		
	سال	جبران خدمات کارکنان	مالیات حقوق غیردولتی	سهم مالیات حقوق	مالیات حقوق دولتی	سهم مالیات حقوق دولتی از جبران خدمات کارکنان (درصد)
۱۳۵۵	۱۹۵/۸	۱۵/۶	۷/۹۶	۴۷۹/۶	۱۱/۱	۲/۳۱
۱۳۵۶	۲۲۰/۲	۲۷/۶	۱۲/۵۳	۶۲۴	۱۲/۸	۲/۰۵
۱۳۵۷	۲۵۶/۳	۳۰/۹	۱۲/۰۵	۷۶۵/۲	۱۳/۳	۱/۷۳
۱۳۵۸	۳۴۳/۶	۳۳/۵	۹/۷۴	۱۰۵۸/۳	۲۶/۷	۲/۵۲
۱۳۵۹	۳۶۶/۱	۲۵/۱	۶/۸۵	۱۱۲۴/۶	۲۶/۴	۲/۳۴
۱۳۶۰	۴۵۱/۸	۳۰/۵	۶/۷۵	۱۲۶۱/۸	۲۵/۱	۱/۹۸
۱۳۶۱	۵۴۷/۲	۳۶/۲	۶/۶۱	۱۶۱۹/۶	۲۸/۷	۲/۰۲
۱۳۶۲	۶۶۴/۶	۳۶/۱	۵/۴۳	۱۵۹۶/۹	۲۲/۵	۱/۴۰
۱۳۶۳	۷۴۵/۱	۴۴/۶	۵/۹۸	۱۶۴۰/۱	۲۸/۲	۱/۷۱
۱۳۶۴	۸۱۶/۷	۵۴/۳	۶/۶۴	۱۸۸۳/۱	۳۲/۲	۱/۷۰
۱۳۶۵	۸۰۶/۳	۵۲/۵	۶/۵۱	۱۹۲۷/۴	۴۰/۳	۲/۰۹
۱۳۶۶	۹۲۱/۵	۳۸/۹	۴/۲۲	۲۱۸۸/۸	۳۱/۸	۱/۴۵
۱۳۶۷	۱۰۹۸/۸	۴۲	۳/۸۲	۲۴۶۶	۲۷/۷	۱/۱۲
۱۳۶۸	۱۲۸۹/۲	۴۵	۳/۴۹	۲۶۰/۹	۴۴/۸	۱/۷۱
۱۳۶۹	۱۸۱۶/۲	۶۳/۷	۳/۵۰	۳۰۹۱/۶	۶۳	۲/۰۳
۱۳۷۰	۲۵۵۲	۱۱۴/۵	۴/۴۸	۴۱۹۳/۲	۱۱۴/۹	۲/۷۴
۱۳۷۱	۳۳۱۹	۱۰۰	۳/۰۱	۵۴۸۷/۵	۱۱۱/۷	۲/۰۳
۱۳۷۲	۴۲۱۷/۷	۱۴۶/۱	۳/۴۶	۱۰۵۷۸/۲	۱۹۲/۳	۱/۸۱
۱۳۷۳	۵۵۷۹/۳	۱۴۶/۱	۳/۴۶	۱۰۵۷۸/۲	۱۹۲/۳	۱/۸۱
۱۳۷۴	۷۶۴۳/۶	۴۳۴	۵/۶۷	۱۶۷۹۰/۶	۴۶۵/۸	۲/۷۷
۱۳۷۵	۹۷۲۵/۵	۶۹۷/۷	۷/۱۷	۱۷۷۹۸	۸۸۸/۹	۴/۹۹

توضیح: ۱. جبران خدمات کارکنان بخش خصوصی شامل بخش صنعت و خدمات است.
 ۲. تمام اطلاعات از جدول قبلی انتقال یافته است.

مؤثر برداشته شده است، زیرا طبق جدول شماره ۱۰ که میزان مالیات حقوق قبل و بعد از قانون مذکور را مقایسه می‌کند، نشان می‌دهد که میزان مالیات حقوق بعد از اجرای قانون مذکور همواره نسبت به قبل از اجرای آن کاهش یافته که در نتیجه باعث افزایش درآمد قابل تصرف شاغلان خصوصاً با درآمدهای پایین گردیده است.

بررسی نشان می‌دهد که قانون مذکور دارای مزایا و معایب به شرح زیر است.

مزایا

۱. قانون مذکور با استفاده از سه عامل (الف) حداقل حقوق جدول حقوق ماده ۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت؛ (ب) ضریب جدول حقوق ماده ۳۳ قانون استخدام کشوری؛ (ج) ماده ۸ لایحه قانونی مربوط به حداکثر و حداقل حقوق مستخدمین شاغل و بازنشسته و آماده به خدمت مصوب ۱۳۵۸/۲/۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران طراحی و باعث پویایی مالیات حقوق شده است. به این نحو که با تغییر در هر یک از عوامل مذکور میزان مالیات حقوق تغییر می‌یابد.

۲. براساس این قانون، میزان معافیت سالانه مالیات حقوق برای دویکس دولتی و خصوصی یکسان محاسبه می‌شود، در صورتی که قبل از آن میزان معافیت مالیات حقوق برای بخش دولتی و خصوصی متفاوت بوده است. همچنین، براساس این قانون مالیات اضافه کاری برای کارمندان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت و کارگران مشمول قانون کار یکسان محاسبه و دریافت می‌شود و این امر انگیزه ارائه فهرست‌های مجاز از سوی کارفرمایان بخش خصوصی برای فرار مالیاتی را تا حدودی محدود کرده است، زیرا ارقام مالیات اضافه کاری نسبتاً کاهش یافته و کارفرمایان با رضایت خاطر بیشتری نسبت به اعلام حقوق پرداختی اقدام می‌کنند.

۳. براساس تبصره ۲ قانون یاد شده، علاوه بر معافیت مالیات حقوق موضوع ماده مذکور، ۲۵ درصد مالیات حقوق تا مبلغ ۱۲ برابر حداکثر حقوق موضوع ماده ۸ لایحه قانونی مربوط به حداکثر و حداقل حقوق مستخدمین شاغل و بازنشسته و آماده به خدمت در سال بخشوده می‌شود که این امر گام مؤثری برای تقویت قدرت خرید حقوق‌بگیران با سطح درآمدی پایین است.

جدول شماره ۱۰: جدول مقایسه مالیات بر درآمد حقوق براساس ماده ۸۴ مصوب اردیبهشت ۱۳۷۱ و قانون اصلاح ماده ۸۴ مصوب اسفند ۱۳۷۵

مصوب اسفند ۱۳۷۵		مصوب اردیبهشت ۱۳۷۱				حقوق ماهانه به ریال
مالیات ماهانه قانون اصلاحی ماده ۸۴	نرخ (درصد)	مالیات ماهانه تبصره ماده ۸۴	نرخ (درصد)	مالیات ماهانه متن ماده ۸۴	نرخ (درصد)	
—	—	—	—	—	—	۱۵۰۰۰۰
—	—	—	—	۳۶۰۰	۱۲	۱۸۰۰۰۰
—	—	۲۴۰۰	۱۲	۶۰۰۰	۱۲	۲۰۰۰۰۰
—	—	۴۸۰۰	۱۲	۸۴۰۰	۱۲	۲۲۰۰۰۰
—	—	۸۴۰۰	۱۲	۱۳۰۰۰	۱۸	۲۵۰۰۰۰
—	—	۱۱۲۰۰	۱۸	۱۶۶۰۰	۱۸	۲۷۰۰۰۰
—	—	۱۶۶۰۰	۱۸	۲۲۰۰۰	۱۸	۳۰۰۰۰۰
—	—	۲۰۲۰۰	۱۸	۲۵۶۰۰	۱۸	۳۲۰۰۰۰
۷۲۰۰	۱۲	۳۵۴۱۷	۲۵	۴۲۹۱۷	۲۵	۴۰۰۰۰۰
۲۰۵۵۰	۱۸	۶۰۴۱۷	۲۵	۶۹۵۸۳	۳۵	۵۰۰۰۰۰
۳۷۸۱۳	۲۵	۹۴۰۸۳	۳۵	۱۰۴۵۸۳	۳۵	۶۰۰۰۰۰
۶۰۰۱۳	۳۵	۱۲۹۰۸۳	۳۵	۱۳۹۵۸۳	۳۵	۷۰۰۰۰۰
۸۶۳۱۳	۳۵	۱۶۴۰۸۳	۳۵	۱۷۴۵۸۳	۳۵	۸۰۰۰۰۰
۱۱۲۵۶۳	۳۵	۱۹۹۰۸۳	۳۵	۲۰۹۵۸۳	۳۵	۹۰۰۰۰۰
۱۳۸۸۱۳	۳۵	۲۳۷۵۸۳	۴۰	۲۴۹۵۸۳	۴۰	۱۰۰۰۰۰۰
۱۹۶۱۸۸	۴۰	۳۱۷۵۸۳	۴۰	۳۲۹۵۸۳	۴۰	۱۲۰۰۰۰۰
۳۵۶۱۸۸	۴۰	۴۷۷۵۸۳	۴۰	۴۸۹۵۸۳	۴۰	۱۶۰۰۰۰۰
۵۱۶۱۸۸	۴۰	۶۳۷۵۸۳	۴۰	۶۴۹۵۸۳	۴۰	۲۰۰۰۰۰۰
۷۲۱۰۲۱	۴۵	۸۴۹۴۱۷	۴۵	۸۶۲۹۱۷	۴۵	۲۵۰۰۰۰۰
۹۴۶۰۲۱	۴۵	۱۰۷۴۴۱۷	۴۵	۱۰۸۷۹۱۷	۴۵	۳۰۰۰۰۰۰
۱۱۷۱۰۲۱	۴۵	۱۲۹۹۴۱۷	۴۵	۱۳۱۲۹۱۷	۴۵	۳۵۰۰۰۰۰
۱۳۹۶۰۲۱	۴۵	۱۵۲۴۴۱۷	۴۵	۱۵۳۷۹۱۷	۴۵	۴۰۰۰۰۰۰
۱۶۲۱۶۸۸	۵۰	۱۷۵۷۰۸۳	۵۰	۱۷۷۲۰۸۳	۵۰	۴۵۰۰۰۰۰
۱۸۷۱۶۸۸	۵۰	۲۰۰۷۰۸۳	۵۰	۲۰۲۲۰۸۳	۵۰	۵۰۰۰۰۰۰
۲۱۲۱۶۸۸	۵۰	۲۲۵۷۰۸۳	۵۰	۲۲۷۲۰۸۳	۵۰	۵۵۰۰۰۰۰

معایب

۱. بررسی انجام شده که نمودار شماره ۱ مؤید آن است، نشان می‌دهد که نحوه محاسبه مالیات حقوق براساس قانون یاد شده بسیار پیچیده است که این امر با اصل سهولت، شفافیت و سادگی در اصول مالیات در تضاد است، مضافاً به این که محاسبات مذکور چنانچه براساس سیستم دستی انجام پذیرد به صرف وقت فراوان نیاز دارد که در نتیجه افزایش هزینه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

۲. تبصره یک قانون یاد شده برای تعداد ساعات اضافه کاری مشمولان قانون کار برای برخورداری از معافیت قانونی مالیات حقوق دچار ابهام است که این امر مسئولان اجرایی را با مشکل مواجه کرده است. به این مفهوم که با استنباط از موضوع گاهی ۹۶ ساعت و گاهی ۱۲۰ ساعت به دست می‌آید.

$$۱) ۴۴ \times ۴ = ۱۷۶ \quad ۷/۵ \times ۲ = ۱۵ \quad ۱۷۶ + ۱۵ = ۱۹۱ \quad ۱۹۱ \times ۵۰\% = ۹۶$$

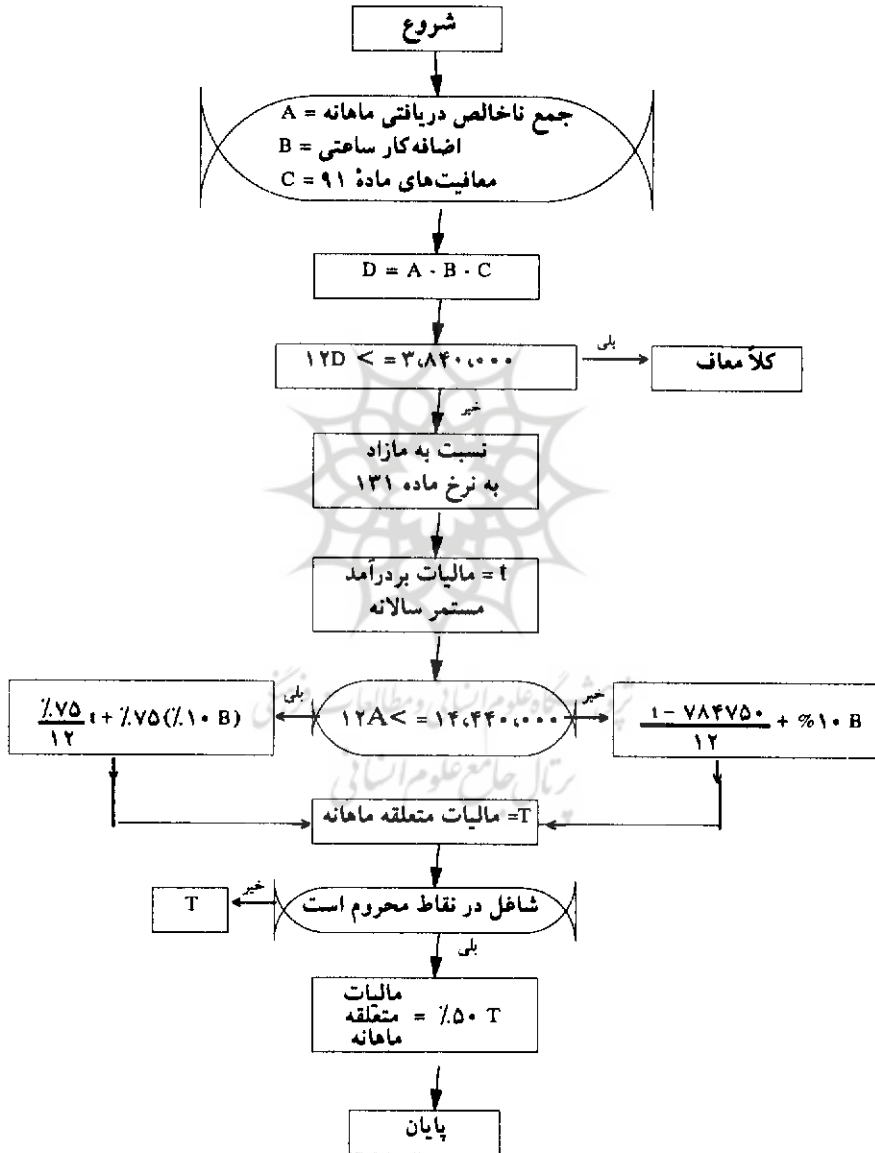
$$۲) ۴ \times ۳۰ = ۱۲۰$$

معرفی الگو

قبل از ورود به بحث اصلی مربوط به بررسی اثر مالیات بر درآمد بر شاخص‌های نابرابری لازم است توضیح مختصری در مورد مبانی نظری الگوی به کار گرفته شده ارائه شود.

تلاش‌های بانک جهانی به منظور بررسی موضوع ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد با انتشار کتاب توزیع مجدد درآمد و رشد اقتصادی اثر هالیس چنری (Hollis Chenery) و دیگران در ۱۹۹۲ به اوج خود رسید. زیر بنای این تفکر را در سه مرحله می‌توان توضیح داد. اول آن که توزیع درآمد تمایل طبیعی را به سوی تمرکز بیشتر ثروت نشان می‌دهد، اما اعمال سیاست‌گذاری‌های مختلف می‌تواند منجر به تغییر اوضاع شود. دوم این که سیاست‌های اتخاذ شده باید به صورت منسجم و به هم پیوسته به نفع گروه‌های پایین درآمدی اعمال شود. سوم این که تأکید بر سازگاری رشد اقتصادی با تلاش‌های همزمان برای بهبود توزیع درآمد

نمودار شماره ۱: فلوجارت نحوه محاسبه مالیات بر درآمد حقوق در بخش دولتی
با استفاده از قانون اصلاح ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۷۵



وجود داشته است، به گونه‌ای که بر اساس نظریه چتری تمرکز برنامه‌ها بر موضوع فقر به این معنا نیست که رشد اقتصادی نادیده گرفته شود بلکه به مفهوم توزیع مجدد منافع به وجود آمده ناشی از رشد اقتصادی است.

پژوهشگران بسیاری با استفاده از اطلاعات آماری درآمد و نحوه توزیع درآمد به بررسی اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد پرداخته‌اند از جمله التیمیر (Altimir, 1991)، مورلی (Morely, 1994) برای اقتصاد کشورهای امریکای لاتین تحقیقات وسیعی را در این زمینه انجام داده‌اند. نتایج کمی و استنتاج آن‌ها تا حدودی باهم متفاوت است ولی در اغلب کشورها رشد مداوم اقتصادی می‌تواند بر توزیع درآمد اثر مثبتی داشته باشد.

باجمع‌بندی از پژوهش‌های مذکور مبنی بر اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در این پژوهش نیز نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (RGDP) به عنوان متغیر اصلی برای برآورد در معادله استفاده شده است و با توجه به اهمیت حاکمیت دولت در ساختار اقتصاد کشور متغیر مخارج دولت (G) نیز به مدل اضافه شده است. همچنین، با توجه به موضوع اصلی این پژوهش و نقش مالیات به عنوان:

۱. مخارج دولت را تأمین می‌نماید.

۲. با توجه به عدم تعادل بین رشد نقدینگی و رشد تولید در جامعه می‌توان با اخذ مالیات پول در گردش را تقلیل داد که در نتیجه قدرت خرید بخش خصوصی کاهش می‌یابد. لذا از یک طرف منابع خرید برای دولت فراوان‌تر می‌شود و از طرف دیگر تعادلی بین عرضه و تقاضا ایجاد می‌گردد که توقف تورم و یا تعدیل قیمت‌ها را ایجاد می‌کند.

۳. به عنوان وسیله مؤثر در تنظیم اقتصاد کشور به کار گرفته شود، زیرا متأسفانه آمار مربوط نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر بیشترین سرمایه در بازار توزیع و عوامل واسطه متمرکز گردیده است که با اخذ مالیات بر مشاغل کاذب و واسطه می‌توان انگیزه انتقال سرمایه در اختیار این‌گونه شاغلان را به بخش تولید فراهم کرد.

۴. با توجه به این‌که مالیات یکی از ارکان اصلی تراز پرداخت‌ها است، با استفاده از این ابزار خصوصاً مالیات بر واردات می‌توان از ورود کالاهای غیر ضروری کاست و برعکس با اعطای معافیت، صادرکنندگان را تشویق به صادرات کرد که در نتیجه می‌توان به ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها کمک کرد.

۵. وسیله مطمئن در توزیع درآمد و ثروت باشد، زیرا جامعه ما وارث تکاثر بی‌رویه ثروت ناشی از فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی است که این تکاثر ثروت توسط عده‌ای محدود مانعی در نیل به عدالت اجتماعی است که تنها از طریق اخذ مالیات ممکن است به شکل قانونی قسمتی از این ثروت‌ها را توزیع و تعدیل کرد و با ایجاد تعادل از فاصله طبقاتی کاست. زیرا مسأله اصلی مالیات بر درآمد است و ثروت گردآوری درآمدها است. این نوع مالیات در تأمین بودجه مملکت نقش استراتژیک دارد که اگر سیستم پرداخت مالیات همزمان با کسب درآمد "pay as you carry" در جامعه برقرار شود، می‌تواند به سهولت و فوریت جایگزین سایر درآمدها شود که متأسفانه این نوع مالیات فقط از قشر حقوق‌بگیران جامعه دریافت می‌شود.

لذا با عنایت به مطالب یاد شده و عنوان پژوهش، مالیات (tax) نیز به عنوان متغیر دیگر در برآورد استفاده شده است. به‌طور کلی معادله نهایی به صورت زیر برای تخمین زدن به کار گرفته شده است.

$$V = f(\text{RGDP و } G \text{ و } \text{TAX})$$

در رابطه فوق، V ، شاخص توزیع و نابرابری است.

بررسی اثر مالیات بر درآمد بر شاخص‌های نابرابری

به منظور بررسی اثر مالیات بر درآمد بر شاخص‌های نابرابری از دو شاخص نابرابری Z (شکاف طبقاتی) و VYR (ضریب تغییرات) استفاده شد.^۱

منظور از متغیر وابسته Z (شکاف طبقاتی) نسبت مجموع هزینه‌های صرف شده در گروه‌های نهم و دهم هزینه‌ای به مجموع هزینه‌های صرف شده در گروه‌های اول و دوم هزینه‌ای است ($Z = \frac{Z_9}{Z_1}$). همچنین متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده شامل مالیات بر درآمد واقعی B_1 ($\frac{\text{مالیات بر درآمد اسمی}}{\text{شاخص هزینه زندگی}}$)، میزان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی RGDP

۱. آمار مربوط به متغیرهای مورد استفاده در برآورد مدل در پیوست مقاله آمده است.

رشد تولید ناخالص داخلی $\times 100$) و مخارج مصرفی دولت GC هستند همچنین در این بررسی تحولات کیفی کشور طی دوره مورد مطالعه به عنوان متغیرهای مجازی به کار گرفته شد. بهترین برآورد به دست آمده از شاخص نابرابری Z به شرح زیر است:

معادله شماره ۱

$$Z = 51/638567 - 0/4108513B_1 - 0/5706057RGDP + 0/185480GC - 17/930321D_1$$

$$(4/29) \quad (-3/94) \quad (-3/58) \quad (2/74) \quad (-3/55)$$

$$R^2 = 82\% \quad D.W = 1/91 \quad F = 13/79$$

معادله شماره ۱ نشان می‌دهد که به شرط ثابت بودن سایر عوامل با یک واحد افزایش در مالیات بر درآمد واقعی به طور متوسط $0/41$ واحد شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد و با یک درصد افزایش در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط $0/57$ واحد شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد و با یک واحد افزایش در هزینه‌های مصرفی دولت به طور متوسط $0/18$ واحد شکاف طبقاتی افزایش می‌یابد. متغیر مجازی D_1 (وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷) عرض از مبدأ معادله را به اندازه $17/93$ واحد کاهش داده است. همچنین، متغیرهای مذکور شکاف طبقاتی را با 82 درصد توضیح می‌دهند و آماره‌های F و T هر دو در حد قابل قبولی ارزیابی می‌شوند. برآورد مذکور به وسیله میانگین متحرک $MA(1)$ رفع خود همبستگی شده است.

دومین شاخص نابرابری به کار گرفته شده ضریب تغییرات یا انحراف معیار نسبی (VYR) است که منظور نسبت انحراف معیار گروه‌های مختلف هزینه‌ای خانوارهای شهری به میانگین واقعی گروه‌های مختلف هزینه‌ای خانوارهای شهری است. لازم به ذکر است که برای یافتن میانگین واقعی گروه‌های مختلف هزینه‌ای خانوارهای شهری ابتدا مجموع هزینه‌های صرف شده در هر یک از گروه‌های هزینه‌ای بر شاخص هزینه‌زندگی تقسیم شد تا هزینه صرف شده در هر گروه به صورت واقعی به دست آید. سپس با میانگین گرفتن از جمع هزینه‌های صرف شده واقعی در ده گروه هزینه‌ای، میانگین واقعی گروه‌های مختلف هزینه‌ای به دست آمد. همچنین، با استفاده از این متغیرها انحراف معیار واقعی گروه‌های مختلف هزینه‌ای خانوار

شهری به دست آمد. در این بررسی متغیرهای مستقل به کار گرفته شده همانند متغیرهای مستقل در شاخص نابرابری اولاند و بهترین معادله به دست آمده معادله شماره (۲) است:

معادله شماره ۲

$$\begin{aligned}
 \text{VYR} = & 1/36574100 \cdot 0/00461148 \text{B}_1 - 0/0102630 \text{RGDP} + 0/0002828 \text{AGC} - 0/3965105 \text{D}_1 \\
 & (4/69) \quad (-2/44) \quad (-2/73) \quad (1/94) \quad (-3/47) \\
 R^2 = & \%74 \quad \text{D.W} = 1/73 \quad \text{F} = 8/95
 \end{aligned}$$

در این معادله، به شرط ثابت بودن سایر عوامل با یک واحد افزایش در مالیات بردرآمد واقعی به طور متوسط ۰/۰۰۴ واحد ضریب تغییرات کاهش می‌یابد، به عبارتی مالیات بردرآمد واقعی اثر مثبتی بر کاهش شکاف هزینه‌ای بر گروه‌های مختلف هزینه‌ای دارد. همچنین، با یک درصد افزایش در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط ۰/۰۱ واحد ضریب تغییرات کاهش می‌یابد و با یک واحد افزایش در هزینه‌های مصرفی دولت ۰/۰۰۰۲۸ واحد ضریب تغییرات افزایش می‌یابد. متغیر مجازی D_1 (وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷) عرض از مبدأ را به اندازه ۰/۳۹ واحد کاهش داده است. همچنین، معادله مذکور دارای قدرت توضیح‌دهندگی ۷۴ درصد است که آماره‌های F و T هر دو معنی دارند. برآورد مذکور به وسیله میانگین متحرک (۱) MA رفع خود همبستگی شده است. قابل ذکر است که مالیات بردرآمد به کار رفته در این پژوهش مشتمل بر مالیات حقوق و مالیات مشاغل است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) همان‌گونه که اشاره شد، به منظور افزایش معافیت‌های حقوق، قانون اصلاح ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۷۵ تصویب و برای اجرا به تمام دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. این قانون اصلاحی دارای نقاط مثبت و منفی است که به اختصار شرح داده

شد، لذا به منظور رفع معایب پیشنهاد‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. میزان معافیت مالیات بر درآمد حقوق متناسب با سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یابد، زیرا در اجرای این قانون برای سال ۱۳۷۶ معافیت حقوق ماهانه ۳۲۰۰۰۰۰ ریال اعلام شد که این رقم بسیار پایین‌تر از خط فقر است.

۲. به منظور رفع مشکلات اجرایی مربوط به تبصره یک قانون یاد شده مبنی بر تعیین میزان ساعات اضافه کاری برای برخورداری از معافیت مالیات حقوق برای کارگران مشمول قانون کار عبارت «میزان اضافه کاری قابل محاسبه برای کارگران مشمول قانون کار بیش از ۱۰۰ ساعت در ماه مجاز نخواهد بود» در متن تبصره جایگزین شود.

۳. ماده ۸ لایحه قانونی مربوط به حداکثر و حداقل حقوق مستخدمان شاغل و بازنشسته و آماده به خدمت مصوب ۱۳۵۸/۲/۴ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران که رقم ۱۲۰۰۰۰۰ ریال را اعلام نموده است، مورد تجدید نظر قرار گیرد.

ب) بررسی انجام شده نشان می‌دهد که متأسفانه با در نظر گرفتن این که ظرفیت مالیاتی از محل مالیات بر مشاغل بسیار بالاتر از میزان فعلی آن است، تاکنون توجه لازم به آن مبذول نشده در صورتی که حتی از نظر یک بافت سالم مالیاتی تأکید بر این نوع مالیات از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه برای افزایش وصول مالیات مشاغل پیشنهاد‌های زیر مطرح است:

۱. کوشش در جهت شناسایی پدیده مالیات در جامعه با استفاده از رسانه‌های گروهی؛
۲. تشویق مؤدیان مالیاتی به ارسال اظهارنامه؛
۳. محدود کردن استفاده از تشخیص علی‌الرأس در مورد تعیین مالیات؛
۴. تهیه شناسنامه مالیاتی برای مؤدیان و شناسایی واحدهای شغلی ناشناخته؛
۵. یاری جستن از اتحادیه‌های صنفی به منظور رسیدگی سریع به پرونده‌های مربوط به مالیات‌های معوق؛
۶. جذب نیروی انسانی، آموزش کارکنان و مأموران تشخیص مالیات؛
۷. افزایش جراثم برای متخلفان از طریق اصلاح موارد مربوط در قانون مالیات‌های مستقیم؛
۸. استفاده از شبکه کامپیوتری برای شناسایی درآمد مشاغل.

ج) نکته قابل تأمل در خصوص استفاده از ابزار مالیاتی خصوصاً مالیات بر درآمد برای تعدیل نابرابری درآمدی این است که باید همواره مالیات بر درآمد واقعی که از ملحوظ داشتن مالیات بر درآمد اسمی بر شاخص هزینه زندگی حاصل می‌شود، مورد نظر باشد. چنان‌که دو شاخص نابرابری مورد استفاده (شکاف طبقاتی و ضریب تغییرات) در مدل ارائه شده در این پژوهش نیز نشان می‌دهد، مالیات بر درآمد واقعی شکاف طبقاتی را طی دوره مورد مطالعه کاهش داده است. همچنین، هزینه‌های مصرفی دولت شکاف درآمدی را افزایش و در مقابل هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت شکاف درآمدی را کاهش داده است که لازم است دولت برای هزینه کردن مخارج مصرفی با تأمل و دقت بیشتری عمل کند که از آن جمله می‌توان به سرمایه‌گذاری بلند مدت برای تقویت بنیه فرهنگی کشور به منظور ارائه الگوی مصرفی مناسب که صرفه‌جویی‌های هزینه‌ای را در برداشته باشد، اشاره کرد. همچنین، به موازات آن دولت با تأکید بر مخارج سرمایه‌گذاری به نحوی که تمامی جوانب آن سنجیده شود، می‌تواند گام مؤثری بر بهبود توزیع درآمد بردارد.

به‌طور کلی، آنچه این پژوهش نشان می‌دهد این است که نظام مالیاتی ایران به رغم مشکلات فراوانی که در جریان تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور طی دوره بیست ساله مورد مطالعه درگیر آن بوده، توانسته است تا حدودی توزیع درآمد را از طریق مالیات بر درآمد (مالیات حقوق و مالیات مشاغل) بهبود بخشد. اما لازم است برای برقراری عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر سمت‌گیری مالیات بر درآمد بر مالیات مشاغل متمرکز شود. قابل ذکر است که شکل‌گیری توزیع درآمد صرفاً از طریق نظام مالیاتی امکان‌پذیر نیست و سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقداماتی که دولت به اجرا می‌گذارد، می‌تواند همگام با سیستم مالیاتی در شکل‌گیری توزیع درآمد مطلوب عمل کند.

جدول شماره ۱

سال	مجموع هزینه‌های صرف شده در گروه‌های نهم و دهم Z_1	مجموع هزینه‌های صرف شده در گروه‌های اول و دوم Z_2
۱۳۵۵	۶۵۲۷۰/۶۴	۳۱۵۶۸۲۹
۱۳۵۶	۶۴۲۸۴/۱۲	۳۱۴۱۴۳۵
۱۳۵۷	۶۵۴۳۳/۴۲	۳۰۸۶۲۶۸
۱۳۵۸	۶۶۵۸۲/۷۲	۳۰۳۱۱۰۱
۱۳۵۹	۶۵۱۶۳/۴۶	۲۶۲۸۰۹۹
۱۳۶۰	۱۳۱۸۲۹/۲	۴۰۵۶۵۳۶
۱۳۶۱	۱۹۸۴۹۴/۹	۵۴۸۴۹۷۲
۱۳۶۲	۱۸۶۰۱۰/۰	۵۶۷۱۶۵۶
۱۳۶۳	۱۸۳۰۴۷/۰	۵۷۵۱۷۶۰
۱۳۶۴	۱۸۵۶۶۵/۶	۵۷۶۸۸۲۴
۱۳۶۵	۱۸۷۲۹۲/۰	۵۹۲۲۹۲۱
۱۳۶۶	۱۷۸۱۵۰/۰	۶۱۱۵۷۵۲
۱۳۶۷	۱۸۵۴۳۴/۰	۶۰۸۱۳۰۶
۱۳۶۸	۱۸۵۰۹۷/۰	۶۳۴۸۵۸۴
۱۳۶۹	۷۹۱۶۲۵/۰	۱۰۴۶۹۲۶۸
۱۳۷۰	۷۰۸۳۸۵/۰	۱۱۲۶۶۶۵۳
۱۳۷۱	۷۱۶۳۲۱/۰	۱۱۲۵۵۰۵۹
۱۳۷۲	۱۱۳۰۹۷۳	۲۱۲۵۲۹۹۶
۱۳۷۳	۹۸۷۹۱۰/۰	۲۲۲۶۰۴۴۰
۱۳۷۴	۳۶۶۶۴۳۱	۴۰۰۵۵۴۶۰
۱۳۷۵	۲۸۱۹۷۱۰	۴۰۸۰۹۲۸۸

جدول شماره ۲

سال	شاخص نایبربری (شکاف طبقاتی) (Z)	مالیات بر درآمد اسمی (میلیارد ریال)	شاخص هزینه زندگی	مالیات بر درآمد واقعی (B)	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (RGDP)
۱۳۵۵	۴۸/۳۶	۴۱/۲۰	۰/۳۶	۱۱۴/۱۲	۱۶/۹۳
۱۳۵۶	۴۸/۸۶	۵۱/۸۰	۰/۴۵	۱۱۴/۸۵	-۱/۱۰
۱۳۵۷	۴۷/۱۶	۵۲/۸۰	۰/۴۹	۱۰۶/۴۵	-۱۱/۰۵
۱۳۵۸	۴۵/۵۲	۶۸/۱۰	۰/۵۵	۱۲۳/۱۴	-۷/۹۷
۱۳۵۹	۴۰/۳۳	۶۰/۴۰	۰/۶۸	۸۸/۴۳	-۱۲/۸۰
۱۳۶۰	۳۰/۷۷	۷۲/۴۰	۰/۸۳	۸۶/۲۹	-۲/۹۹
۱۳۶۱	۲۷/۶۳	۸۶/۴۰	۱/۰۰	۸۶/۴۰	۱۴/۸۵
۱۳۶۲	۳۰/۴۹	۸۰/۶۰	۱/۱۴	۷۰/۰۳	۱۳/۰۵
۱۳۶۳	۳۱/۴۲	۹۷/۲۰	۱/۲۶	۷۶/۷۱	۰/۵۳
۱۳۶۴	۳۱/۰۷	۱۲۲/۷۰	۱/۳۵	۹۰/۶۲	۱/۷۵
۱۳۶۵	۳۱/۶۲	۱۴۷/۶۰	۱/۶۷	۸۸/۱۱	-۹/۰۸
۱۳۶۶	۳۴/۳۲	۱۵۰/۵۰	۲/۱۳	۷۰/۳۵	۰/۰۴
۱۳۶۷	۳۲/۷۹	۱۵۶/۱۰	۲/۷۵	۵۶/۶۱	-۴/۴۲
۱۳۶۸	۳۴/۲۹	۲۰۲/۲۰	۳/۲۳	۶۲/۴۴	۴/۴۶
۱۳۶۹	۱۳/۲۲	۲۸۱/۴۰	۳/۵۲	۷۹/۷۶	۱۱/۲۴
۱۳۷۰	۱۵/۹۰	۴۴۸/۷۰	۴/۲۱	۱۰۶/۳۵	۱۰/۶۴
۱۳۷۱	۱۵/۷۱	۵۰۵/۲۰	۵/۱۳	۹۸/۴۴	۶/۰۹
۱۳۷۲	۱۸/۷۹	۷۱۰/۱۰	۶/۲۸	۱۱۲/۹۴	۲/۱۱
۱۳۷۳	۲۲/۵۳	۱۰۴۰/۴۰	۹/۷۹	۱۰۶/۱۸	۰/۸۸
۱۳۷۴	۱۰/۹۲	۱۷۵۳/۱۰	۱۴/۶۳	۱۱۹/۷۶	۲/۸۴
۱۳۷۵	۱۴/۴۷	۲۸۰۱/۰۰	۱۸/۰۳	۱۵۵/۳۱	۵/۰۸

جدول شماره ۳

سال	مخارج مصرفی دولت (میلیارد ریال) (GC)	متغیر مجازی وقوع انقلاب اسلامی (D _i)
۱۳۵۵	۲۳۷۹/۴۰۰	۰/۰۰۰
۱۳۵۶	۲۳۰۷/۱۰۰	۰/۰۰۰
۱۳۵۷	۲۳۴۶/۹۰۰	۰/۰۰۰
۱۳۵۸	۲۱۷۷/۳۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۵۹	۱۹۶۸/۴۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۰	۱۹۴۷/۹۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۱	۱۹۱۰/۱۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۲	۱۹۳۰/۱۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۳	۱۸۱۰/۸۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۴	۱۸۹۸/۱۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۵	۱۵۰۷/۶۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۶	۱۴۰۲/۸۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۷	۱۳۹۶/۱۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۸	۱۱۸۹/۴۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۶۹	۱۳۳۶/۶۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۷۰	۱۴۵۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۷۱	۱۵۵۱/۹۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۷۲	۱۸۲۰/۳۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۷۳	۱۸۹۸/۶۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۷۴	۱۹۵۹/۴۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۷۵	۲۰۷۷/۰۰۰	۱/۰۰۰

جدول شماره ۴

شاخص نابرابری ضریب تغییرات (VYR)	سال	شاخص نابرابری (ضریب تغییرات) (VYR)	سال
۱/۱۰۰	۱۳۶۶	۱/۵۱۶	۱۳۵۵
۱/۱۴۲	۱۳۶۷	۱/۴۷۵	۱۳۵۶
۱/۲۱۶	۱۳۶۸	۱/۴۵۵	۱۳۵۷
۰/۷۱۹	۱۳۶۹	۱/۴۳۴	۱۳۵۸
۰/۷۸۲	۱۳۷۰	۱/۳۰۷	۱۳۵۹
۰/۷۹۸	۱۳۷۱	۱/۰۶۹	۱۳۶۰
۰/۸۹۲	۱۳۷۲	۰/۹۸۲	۱۳۶۱
۰/۹۶۶	۱۳۷۳	۱/۰۱۶	۱۳۶۲
۰/۸۴۵	۱۳۷۵	۱/۰۲۵	۱۳۶۳
۰/۹۰۴	۱۳۷۵	۱/۰۳۴	۱۳۶۴
		۱/۰۵۶	۱۳۶۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مآخذ

الف) فارسی

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی، سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۵۵.
- پژویان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
- خطیب زاده، مریم، «بررسی اثر مالیات بر درآمد بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر سهم نیروی کار» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۷۷.
- داتا، مانورنجان، روش‌های اقتصادسنجی، ترجمه دکتر ابوالقاسم هاشمی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- سازمان برنامه و بودجه، فصلنامه برنامه و بودجه، سال اول، شماره ۷، آبان ۱۳۷۵.
- عطیسی، حسین، مدارهای توسعه‌یافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۰.
- قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۶.

قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن.
ماسگریو، ریچارد و پگی، مالیه عمومی در تئوری و عمل، جلد اول و دوم، ترجمه مسعود محمدی
و یدالله ابراهیمی فر، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، سال‌های
۱۳۷۵-۱۳۵۵.
نوفروستی، محمد و دکتر عباس عرب مازار، بررسی ساختار الگوی اقتصادسنجی کلان ایران،
معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران.
وزارت امور اقتصادی و دارایی، آمارهای خزانه.

(ب) انگلیسی

- Gorji. E., "On the Inequality Effects of Fiscal Policy," *Iranian Economic Review*, Vol. 1, No.1, Fall/Winter 1994.
Meheran. F., "Income Distribution of Iran, Statistics of Inequality," 110, Geneva, 1975.
Pesaran. M.H., "Income Distribution and Its Major Determinate in Iran," in *Iran: Past, Present and Future*, Aspen Institute for Humanistic Studies, Colorado, 1973.